دو فصلنامه علمی تخصصی
مطالعات تطبیقی فقه
زن و خانواده
سال سوم، شماره پنجم
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مفهوم‌شناسی زینت و حکم فقهی ابداء آرایش‌های نوپدید

آمنه چینی‌ساز[۱]

چکیده

میل به زیبایی، میلی فطری است که در زنان از نمود بیشتری برخوردار است. اسلام با اختصاص دادن اظهار زینت زن در مقابل همسر و محارم، درصدد حفظ بنیان خانواده است. ازطرفی، با پیشرفت چشمگیر آرایش‌های نوپدید، برخی در پی اثبات این امر هستند که همان طور که وجه و کفین از حرمت ابداء استثنا شده، هر نوع آرایش در این دو عضو نیز استثنا است. در این مقاله با بررسی دقیق مفهوم‌شناسی «زینت» اثبات می‌شود که زینت گستره وسیعی دارد. همچنین با بررسی آیه ۳۱ سوره نور مبنی بر استثنای زینت ظاهر و بررسی روایات مرتبط با آیه برداشت می‌شود که ملاک در زینت‌های استثناشده، زینت‌های معمول زنان در دست یا صورت آنها، همچون سرمه و انگشتر و یا زینت‌هایی با همین هیئت است و آیه دال بر استثنای بیشتر از این زینت‌ها نیست. علاوه بر اینکه باتوجه‌به معنای لغوی زینت، استعمال این لفظ در معنای بدن صحیح نیست. لکن باتوجه‌به آیه ۳۱ سوره نور که زنان را از ابداء زینت نهی فرموده و باوجود روایاتی که زینت را در معنای بدن استعمال کرده‌اند می‌توان گفت شارع در حدود و ثغور تشخیص زینت نقش داشته و دایره زینت را فراتر برده است. لذا می‌توان بدن را زینتی بالقوه دانست که با استفاده از برخی آرایش‌ها و حتی عمل‌های

۱. دانش‌آموخته سطح چهار فقه خانواده جامعة الزهراء ﷺ، قم، ایران؛ amenehchinisaz65@gmail.com.
تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

جراحی، زیبایی‌های بدن بروز و ظهور می‌یابد. البته غالباً این گونه است و زیبایی نسبی برخی افراد، مانع از این برداشت نیست و لذا آیه، از ابداء زینت بالقوه بدن مقابل نامحرم نیز نهی نموده است.

واژگان کلیدی: زینت، زیورآلات، آرایش‌های نوپدید، زن، حجاب، پوشش، حجاب‌استایل.

مقدمه

پژوهش‌های بسیاری به بررسی معناشناسی آیه ۳۱ سوره نور پرداخته‌اند. این آیه یکی از آیات بسیار مهم در باب محدوده حجاب زن است. مفهوم اصلی در این آیه «زینت» است که بررسی دقیق مفهوم‌شناسی آن، نقش مهمی در فهم آیه و روایات مفسره آیه دارد. به نظر می‌رسد عدم دقت در مفهوم‌شناسی زینت، نقش فراوانی در بیراهه رفتن برخی از پژوهشگران نسبت به محدوده پوشش زن دارد. برخی از پژوهشگران، مسئله حجاب را کاملاً عرفی دانسته و حدود و ثغور آن را به عرف هر جامعه سپرده و قائلند اصل وجوب حجاب، برای جلوگیری از فحشا و رابطه جنسی حرام در جامعه عصر نزول بوده و حال که جامعه تغییر کرده و نگاه به زن و مرد کاملاً یکسان است و روابط آنان باهم به قصد و غرض روابط جنسی نیست، حکم وجوب حجاب به‌طورکلی تغییر کرده است و فقه باید در مقابل عرف جامعه تنزل پیدا کند.[1] با پیشرفت مصادیق زینت، حتی برخی از متشرعین نیز به بهانه به‌روز بودن و شیک‌پوشی، به حجاب‌ها و پوشش‌های افرادی تحت عنوان حجاب‌استایل[2] روی آورده‌اند و با این بهانه که این گونه حجاب‌ها حدود پوشش شرعی را جابه‌جا نکرده است، روزبه‌روز بر تعداد استفاده‌کنندگان می‌افزاید. حال آنکه فقه معاصر ـ به معنای فقه پاسخ‌گو به نیازهای روز مکلفین ـ لازم است ابعاد موضوعات جدید را بررسی کند و با استنباط از آیات، روایات و ادله موجود، پاسخی مناسب در پیش روی آنان قرار دهد.

۱. پیشینه پژوهش

باتوجه‌به بیان لفظ «زینت» در آیه ۳۱ سوره نور، در این آیه، به حکم فقهی حرمت ابداء زینت اشاره شده است؛ لذا بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون زینت، ناظر به این

۱. جعفری هرندی و همکاران (۱۳۹۸)، «تاثیر عرف در احکام پوشش و حجاب زنان مسلمان»، نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ص۷۵ ـ ۹۶.

۲. حجاب‌استایل به افرادی اشاره می‌کند که حجاب را برخلاف فلسفه حجاب اسلامی، برای دیده شدن استعمال می‌کنند و به آن، مدلینگ حجاب نیز می‌گویند.

آیه است و با بررسی معنای لغوی زینت، وارد بحث از معناشناسی آیه شده‌اند. ازجمله این پژوهش‌ها، مقاله «اظهار زینت زن و حکم آن»، نوشته خالد غفوری (تابستان ۱۳۸۷) است. همچنین در مقاله «ماهیت‌شناسی فقهی مسئله پوشش وجه و کفین با رویکردهای قرآنی» به قلم اکرم عبدالله‌پور (بهار ۱۳۸۶)، نویسنده پس از بیان مختصر مفهوم زینت، به بررسی حکم فقهی پوشش وجه و کفین و بیان ادله قائلین به این حکم و نقد آنان پرداخته است. مقاله «گستره حجاب در قرآن» نگاشته فرزانه غفاری (تابستان ۱۳۹۱) نیز صرفاً به‌صورت کلی، به آیات و روایات پیرامون حجاب پرداخته و به شکل مجزا، به بررسی زینت و ماهیت آن نپرداخته است.

با بررسی سایر مقالات مرتبط با حجاب، کمبود مطالعات متمرکز بر مسئله زینت، به‌ویژه زینت و آرایش‌های نوپدید به چشم می‌خورد. لذا مقاله حاضر با بررسی اختصاصی مسئله زینت و تأثیر آن در تشخیص مصادیق زینت که روزبه‌روز در حال گسترش است، به تأثیر مفهوم زینت در فقه و حکم فقهی ابداء آرایش‌های نوپدید می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱ـ۲. زینت

الف) معنای لغوی: واژه «زینت» در زبان عربی ریشه در مفهوم «نقیض شین» دارد. لغت‌شناسان از گذشته تاکنون، زینت را به معنای عام و جامعی به کار برده‌اند که شامل هر آن چیزی می‌شود که با آن بتوان چیزی را آراسته و زیبا کرد: «**الزین: نقیض الشین... الزینة جامع لکل ما یتزین به**؛ زینت اسمی جامع برای هر چیزی است که با آن زینت شود» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۷، ص۳۸۷؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج۹، ص۹۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۲۰۱ و فیومی، بی‌تا، ج۲، ص۲۶۱).

ظاهر عبارت لغویون بر این معنا دلالت دارد که زینت، تنها در زیورآلات و آرایش‌های خارجی به کار می‌رود؛ چراکه معمولاً با این آلات و آرایش‌ها، فرد خود را زینت می‌دهد. بااین‌حال، جوهری در الصحاح و ابن‌منظور در لسان العرب، ضمن تعریف زینت به‌عنوان نقیض شین (یعنی هرآنچه که زشتی نباشد)، به مثالی از کاربرد

این واژه در زبان عربی اشاره می‌کنند. آنها بیان می‌دارند که در زبان عربی، عبارت «**رجل مزین**» به مردی اطلاق می‌شده که موهای خود را کوتاه و مرتب کرده است: «**رجلٌ مُزَیَّنٌ، أی مُقَذَّذُ الشعر**» (جوهری، ۱۴۱۰، ج۵، ص۲۱۳۲ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۲۰۱). با این مثال روشن می‌شود که مفهوم زینت تا حدی گسترده است که حتی شامل پیرایش هم می‌شود و مختص زیورآلات و یا آرایش‌های خارجی نیست.

براین‌اساس می‌توان نتیجه گرفت مفهوم زینت در زبان عربی، فراتر از اشیای زینتی ظاهری است و شامل هر عملی می‌شود که به بهبود ظاهر و آراستگی منجر گردد و موافق طبع باشد؛ حتی اگر این عمل، نیازی به زیورآلات خارجی نداشته و تنها پیرایش مو باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج۳، ص۴۱).

راغب اصفهانی با نگاهی عمیق‌تر به مفهوم زینت، آن را به‌عنوان هرآنچه که انسان را در هیچ حالتی، چه در دنیا و چه در آخرت، زشت و ننگین نکند تعریف کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۳۸۸). این تعریف نشان می‌دهد که زینت حقیقی، نه‌تنها به ظاهر، بلکه به باطن و شخصیت انسان نیز مرتبط است. با این توصیف، کلام زیبا، دستنویس دلنشین، اخلاق خوب و به‌طورکلی فضایل اخلاقی و کمالات انسانی نیز در محدوده زینت جای می‌گیرند.

با بررسی عبارت لغویون پیرامون زینت می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم زینت در زبان عربی، دارای ابعاد مختلفی است. از یک‌سو، زیبایی ظاهری و آراستگی، ازجمله مصادیق زینت است؛ و از سوی دیگر، فضایل اخلاقی و کمالات انسانی را شامل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، زینت می‌تواند هم جنبه ظاهری داشته باشد و هم جنبه باطنی (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج۴، ص۳۷۵).

در بحث درباره مفهوم زینت، اغلب با مفهوم مرتبط دیگری به نام حلیت مواجه می‌شویم. اگرچه این دو مفهوم به هم نزدیک هستند، اما تفاوت‌های مهمی بین آنها وجود دارد که شناخت این تفاوت‌ها برای فهم دقیق هر دو مفهوم ضروری است (همان).

در منابع لغوی مانند لسان العرب، زینت معنایی بسیار گسترده‌تر از حلیت دارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۲۰۱). چراکه حلیت به طور خاص به زیورآلات و اشیای زینتی اطلاق شده است (مصطفوی،۱۴۰۲، ج۴، ص۳۷۵)؛ درحالی‌که زینت، به همه انواع زیبایی‌ها اطلاق می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۷، ص۳۸۷؛ صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج۹، ص۹۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۱۳، ص۲۰۱ و فیومی، بی‌تا، ج۲، ص۲۶۱).

بنابراین، حلیت زیرمجموعه زینت محسوب می‌شود. درالتحقیق ذکر شده که حلیت مختص زینت عرضی است، برخلاف زینت که معنایی عام دارد و هرگونه حسن ظاهری را شامل می‌شود؛ همچنان‌که برخی از مؤلفین از این حقیقت غفلت کرده و زینت را به معنای خاص حلیت تفسیر نموده‌اند. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج۴، ص۳۷۵).

باتوجه‌به رابطه عموم و خصوص مطلق میان مفهوم حلیت (خاص) و زینت (عام) می‌توان یکی از تفاوت‌های حلیه و زینت را این دانست که حلیت یا زیورآلات به آلاتی گفته می‌شود که به غرض آراستگی از آن استفاده شده است و غرض دیگری از استفاده آن متبادر نیست؛ لکن زینت، به نفس ویژگی آراستگی گفته می‌شود، حال به هر قصدی منشأ آن ایجاد شده باشد. به‌عبارت‌دیگر، اثر و نتیجه استفاده از حلیت و زیورآلات، زینت و آراستگی است. لذا قصد استفاده از زینت، اعم از قصد استفاده از حلیه است. قرینه این استظهار، مفهوم لغوی عُطُلّ است.

در توضیح لفظ «عطلّ»، در لسان العرب ذکر شده که: «**و امرأَة عَطْلاء: لا حَلْيَ عليها. و في الحديث: يا عَلِيُّ مُرْ نساءك لا يُصَلِّين عُطُلًا؛ العَطَل: فِقْدان الحلي**» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۱۱، ص۴۵۴). عبارت لسان العرب نشان می‌دهد که لفظ «عطلّ»، به خالی بودن زن از حلیت و زینت خارجی اشاره دارد و لذا زینت، اعم از حلیت است.

پس به‌طورکلی، دو معنا برای زینت ذکر شده است:

- چیزی که با آن زینت و تزیین انجام می‌شود که در معنای عرفی به آن زیورآلات اطلاق شده است (خاص).

ـ نقیض شین، و هرآنچه شئ یا انسان را زشت ننماید، حتی اگر زیبا نکند (عام).

باتوجه‌به مفهوم‌شناسی زینت و حلیت، به نظر می‌رسد گاهی از جهت اطلاق عام بر خاص، به حلیت، زینت اطلاق شده است؛ لکن این امر مانع از عمومیت مفهوم زینت نمی‌شود. براین‌اساس، باتوجه‌به کلمات اکثر لغویون، مفهوم زینت عام است و همان طور که شامل زیورآلات و آرایش‌های عارضی می‌شود، شامل زینت‌های طبیعی و ذاتی و پیرایش نیز می‌گردد. البته اطلاق زینت بر بدن زن از عبارات لغت‌شناسان اثبات نمی‌شود؛ چراکه عرفاً بدن از آلاتی نیست که فرد خود را با آن بیاراید؛ بلکه بدن، محل زینت واقع می‌شود.

ب) معنای اصطلاحی: باتوجه‌به اینکه زینت، موضوع برخی احکام فقهی واقع شده است، با مراجعه به کتب فقهی، معنایی مجزا از معنای لغوی برای زینت یافت نگردید. لذا معنای لغوی و اصطلاحی زینت یکسان بوده و گستره آن به‌اندازه معنای لغوی است. البته برای زینت در آیه ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾، سه معنا ذکر شده است:

یک ـ برخی مراد از زینت را، **مواضع زینت** عنوان نموده‌اند (کاظمی، بی‌تا، ج۳، ص۲۶۹؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص۵۴۶؛ خویی، ۱۴۱۸، ج۳۲، ص۱۸ و سبحانی، بی‌تا، ج۱، ص۴۱).

دو ـ برخی مراد از زینت در آیه را **نفس زینت (ما یتزین به المرأة)** عنوان نموده‌اند نه موضع زینت (آملی، ۱۳۸۰، ج۱۲، ص۵۷۱).

سه ـ برخی به استناد روایات، هر دو معنا را ذکر کرده و زینت در آیه را هم شامل مواضع زینت و هم شامل نفس زینت عنوان نموده‌اند (جمعی از مؤلفان(ب)، بی‌تا، ج۱۱ـ۱۲، ص۲۳۹).

۲ـ۲. آرایش‌های نوپدید

معنای لغوی آرایش‌های نوپدید روشن است و به آن نمی‌پردازیم. اما درباره مفهوم اصطلاحی و آنچه مبنای ما در این مقاله است مقداری توضیح می‌دهیم.

در گذشته، برخی آلات یا برخی آرایش‌های معمول برای زینت زنان مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما امروزه زینت، معنای گسترده‌تری به خود گرفته است و شامل انواع

و اقسام آرایش‌ها و حتی عمل‌های جراحی نیز می‌شود. عمل‌ها و آرایش‌هایی که گاه، ماهیت و یا کیفیت اعضای بدن را دستخوش تغییر قرار می‌دهند؛ آرایش‌هایی همچون انواع کاشت ناخن، تاتوها (ابرو، بدن و...) به‌صورت دائم و موقت، لیفت و لمینت مژه و ابرو، اکستنشن مژه و موارد دیگر. مجموع این آرایش‌ها و اعمال، تحت عنوان آرایش‌های نوپدید جای گرفته‌اند. چنان‌که در تبیین معنای لغوی زینت ذکر شد، زینت معنای عامی دارد؛ لذا علاوه بر آرایش‌ها و اعمال جراحی، استفاده خاص از زیورآلاتی که قبلاً معمول نبوده‌اند نیز تحت عنوان زینت‌های نوپدید جای دارد. به‌عنوان‌نمونه، استفاده از نگین و سنگ‌های زینتی روی چادر و مانتو یا لباس ظاهر، قرار دادن زنجیر و پلاک طلا و نقره و... روی لباس و... را نیز می‌توان نحوه استفاده جدیدی از زینت قرار داد.

مراد از زینت آشکار یا «ما ظهر»

چنان‌که بیان شد، یکی از آیاتی که به موضوع زینت زن اشاره داشته و فهم دقیق آن در برداشت صحیح از محدوده پوشش زن نقش مهمی دارد، آیه ۳۱ سوره مبارکه نور است: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ و به زنان باایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس‌های زیبا، گوشواره و گردن‌بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه‌های خود را به روی گریبان‌هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان،

یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم‌کیش خود]شان، یا بردگان زرخریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده‌لوح و کم‌عقل‌اند و نیاز شهوانی حس نمی‌کنند، یا کودکانی که [به سنّ تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده‌اند. و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن، آن‌گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت‌هایشان پنهان می‌دارند [به‌وسیله نامحرمان] شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به‌سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید».

ازآنجاکه مراد از «ما ظهر» یا زینت ظاهر در آیه روشن نبوده، مورد سؤال واقع شده است. در برخی از روایات، تنها زیورآلات به‌عنوان زینت ظاهر عنوان شده‌اند؛ مثل صحیحه ابی‌بصیر «انگشتر و دستبند» (عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۰، ص۲۰۱). در برخی دیگر، هم زیورآلات و هم آرایش‌های خارجی، به‌عنوان زینت ظاهر عنوان شده‌اند؛ مثل موثقه زراره «سرمه و انگشتر» (همان). در برخی روایات دیگر، مراد از زینت ظاهر، وجه و کفین عنوان شده است؛ ازجمله صحیحه مسعدة‌بن‌زیاد (همان، ص۲۰۲) و صحیحه فضیل (همان، ص۲۰۰).

به نظر می‌رسد نحوه جمع این روایات توسط عده‌ای که قائل به جواز کشف وجه و کفین هستند (عاملی کرکی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۹۶ و کاظمی، بی‌تا، ج۳، ص۲۷۲) این است که به قرینه ذیل آیه ۳۱ سوره نور: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾، مستعمل‌فیه شارع از زینت ظاهر، همان موارد ذکرشده در روایات همچون سرمه، انگشتر و یا دستبند[1] باشد؛ لکن مراد جدی شارع، وجه و کفین بوده است. لذا روایاتی که زینت ظاهر را در

۱. با این توضیح، اشکال دیگری که در این روایات است حل می‌شود. اشکال این است که در روایت ابی‌بصیر و نیز در روایت أبی‌الجارود، سوار (دستبند) را هم در شمار زینت ظاهر دانسته است با اینکه طبق روایات دیگر و نظر مشهور، بیشتر از کف، چیزی از دست استثنا نیست. در پاسخ این اشکال می‌گوییم جواز ابدای سوار، نه به معنای جواز ابدای موضع سوار است تا اشکال پیش بیاید؛ بلکه کنایه از جواز ابدای قسمتی از دست است که معمولاً به همراه ابدای سوار ظاهر می‌باشد؛ یعنی کف، برخلاف قسمت‌های بالای دست و موضع زیر سوار که بالطبیعه به‌وسیله سوار یا لباس پوشیده است (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج۲، ص۵۷۱).

سـرمه و انگشـتر و دستبند عنوان نموده‌اند، کنایه از جواز کشف وجه و کفین هستند و روایاتی همچون صحیحه فضیل و مسعدة‌بن‌زیاد، به مراد جدی شارع یعنی جواز کشف وجه و کفین اشاره دارند (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج۲، ص۵۷۱).

مهذب سبزواری قائل است این مسئله، اختلافی و اجتهادی بوده و مقتضای فروع اجتهادی، اختلاف نظر در استنباط حکم است. ایشان اصل اولیه در مسئله ستر و نظر را عدم جواز ابداء و نظر عنوان نموده اسـت. دلایل وی بر این اصل، علاوه بر مسـتفاد از روایات، مقتضای مرتکزات متشرعه عنوان شده است. لذا اصل اولیه را عدم جواز ابداء و نظر دانسته است، مگر اینکه دلیلی بر جواز داشته باشیم (سبزواری، ۱۴۱۳، ج۲۴، ص۴۰). به نظر می‌رسـد باتوجه‌به روایاتی که در تفسـیر مراد از «ما ظهر» وارد شـده اسـت، وجه و کفین ازجمله زینت‌های استثناشده باشند.

۱ـ ۲ـ ۲. استثنای زینت‌های معمول در وجه و کفین

از بخش قبل، استثنای وجه و کفین از حکم حرمت ابداء اثبات شد. باتوجه‌به روایاتی که مراد از ما ظهر را سرمه و انگشتر و... عنوان کرده بودند، ازآنجاکه معمولاً وجه و کفین زنان، از زینت‌های خارجی و زیورآلات معمولی عاری نیستند، می‌توان گفت زینت‌های معمـول ایـن دو عضـو، همچون سـرمه و انگشـتر نیز جواز کشـف داشـته باشـند. البته نمی‌تـوان قائـل به حصر زینت‌های مسـتعمل در وجه و کفین در سـرمه و انگشـتر عصر نزول شـد؛ چراکه آن سـرمه و آن انگشـتر قاعدتاً امروزه دیگر مورد استفاده واقع نمی‌شود و ازآنجاکـه قـرآن، معجزه خاتم‌النبیین و برای تمام عصرهاسـت، نمی‌تـوان آن را تنها در زینت آشـکار عصر نزول حصر نمود؛ زیرا زینت آشـکار در آن دوره، کاملاً برای ما روشن نیست. ازطرفی سپردن محدوده زینت آشکار به عرف هر جامعه، منجر به لغویت کلام الهی می‌شود (محقق داماد، ۱۴۱۶، ج۲، ص۴۱). لذا مراد از استثنای سرمه و انگشتر را می‌توان به زینت‌های غالبی مستعمل در وجه و کفین نیز برداشت نمود. ازآنجاکه معمولاً زن‌ها حلقه ازدواج و یا انگشتر معمولی در دست دارند و در بیشتر مواقع، آرایش‌های معمولی

هم در چشم خود دارند که غالبا از آن عاری نیستند، می‌توان آنها را نیز در زینت ظاهر در نظر گرفت.

البته از جهت دیگر می‌توان گفت سرمه و انگشتر ذکرشده در روایات موضوعیت دارد؛ وگرنه عنوان زینت‌های معمول وجه و کفین در روایات ذکر می‌شد. همچنین ذکر این دو عنوان، دلالت بر حصر زینت آشکار در همین دو مورد دارد؛ چراکه زینت‌های دیگری نیز در عصر نزول مورد استفاده بوده، اما در روایات به‌عنوان استثنا ذکر نشده است. پس روشن است که ماهیت سرمه و انگشتر موضوعیت دارد.

۳. احکام فقهی مرتبط با موضوع زینت

در آیه، به حکم فقهی حرمت ابداء زینت زن اشاره شده است. در این آیه، لفظ «زینت» دو بار استعمال شده است: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...﴾. در بررسی آیه، ابتدا باید ببینیم مراد از «نهی از ابداء زینت» چیست.

مراد از حرمت ابداء زینت

پیرامون اینکه مراد از حرمت ابداء زینت زن چیست، دو نظر وجود دارد. این دو نظر بر اساس برداشت از ماهیت زینت شکل گرفته است.

الف) نهی از آشکار کردن اعضای بدن

برخی گفته‌اند مراد، نهی از آشکار کردن اعضای بدن است؛ مثلاً چشم زیبا، موهای زیبا و... (محقق داماد، ۱۴۱۶، ج۲، ص۴۰). در این صورت، در آیه نیازی به تقدیر گرفتن نیست و زینت به معنای اعضای بدن است. حالّ ذکر شده، اما محل اراده شده است (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۰۸، ص۵۷۴ و محقق داماد، ۱۴۱۶، ج۲، ص۴۰) و علت ذکر زینت به جای مواضع زینت را مبالغه عنوان نموده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج۳، ص۲۳۰). برخی روایات، مؤید همین معنا هستند؛ همچون روایت فضیل که علاوه بر اینکه ذراع (ساعد) زن را زینت شمرده، زیر خمار (مقنعه) و زیر (سوار) دستبند را هم زینت شمرده است: «**مُحَمَّدُبن‌يَعْقُوبَ عَنْ**

عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَبن مُحَمَّدٍ عَنِ ابن مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ ﷺ عَنِ الذِّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ ـ هُمَا مِنَ الزِّينَةِ الَّتِي قال الله تعالى وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ. قال: نعم و ما دون الخمار من الزينة و ما دون السوارين» (عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۰، ص۲۰۰).

ب) نهی از ابداء نفس زینت زن

برخی دیگر قائل شده‌اند که مراد از «نهی از ابداء زینت» در آیه، نهی از ابداء نفس زینت زن و چیزی است که زن با آن خود را می‌آراید؛ چراکه نظر به نفس زینت، برای همه جایز است (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ۵۴۵؛ حلی، ۱۴۲۵، ج۲، ص۲۲۲ و خویی، ۱۴۱۸، ج۳۲، ص۴۱). خواه زینت، متصل به عضوی از بدن باشد، مثل سرمه و حنا و... یا زینت‌هایی که به عضو بدن متصل نیستند؛ بلکه آویزان به بدن می‌شوند، مثل طلا و نقره و... (محقق داماد، ۱۴۱۶، ج۲، ص۴۰). این معنا، از جهت لغوی به مفهوم زینت نزدیک‌تر است. منتها اگر مراد از زینت، نفس زینت باشد، قاعدتاً در تفسیر آیه باتوجه‌به تناسب حکم و موضوع، نیاز به تقدیر وجود دارد و مراد از زینت، مواضع زینت است (خویی، ۱۴۱۸، ج۱۲، ص۶۶؛ حکیم، ۱۴۱۶، ج۱۴، ص۲۸؛ محقق داماد، ۱۴۱۶، ج۲، ص۴۰ و جمعی از مؤلفان(الف)، بی‌تا، ج۵۴، ص۱۵۱).

روایاتی دیگر مؤید این نظر هستند که مراد از زینت، نفس زینت باشد. از آن جمله، صحیحه ابی‌بصیر است: «**الحسین‌بن‌محمد عن احمدبن‌اسحاق عن سعدان‌بن‌مسلم عن أبی‌بصیر عن أبی‌عبدالله ﷺ قال: سألته عن قول الله تعالی ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾. قال: الخاتم و المَسَكَة و هی القُلبُ** (عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۰، ص۲۰۱). مراد از زینت در این صحیحه، انگشتر و دستبند عنوان شده است» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج۲، ص۵۶۸).

ذیل آیه ۳۱ سوره نور نیز این معنا را تایید می‌کند: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾؛ «و زنان پاهای خود را بر زمین نکوبند تا زینت‌های مخفی‌شان معلوم شود». زدن پا بر زمین، منجر به معلوم شدن بدن که نمی‌شود؛ بلکه منجر به علم به نفس زینت‌های مخفی، همچون خلخال و... می‌شود و از فراز اول آیه، تنها زینت‌های ظاهر استثنا شده، لذا حرمت ابداء، مختص زینت‌های مخفی زن است (خویی، ۱۴۱۸، ج۳۲، ص۴۱).

۴. معنای مختار زینت در آیه

باتوجه‌به اینکه شارع، زینت را در معنای بدن به کار برده است و حال آنکه چنین معنایی از معنای لغوی زینت متبادر نیست؛ چراکه آراستن با بدن که معنا ندارد، می‌توان معنای زینت در آیه را به نحوی برداشت کنیم که با هر دو نظر سازگار باشد. به نظر می‌رسد می‌توان بدن را زینت بالقوه و حتی گاهی مخفی دانست. همچنین از علت ذکرشده در ذیل آیه، هر عملی که منجر به علم به این زینت بالقوه شود نیز نهی شده است.

در ادامه، باتوجه به این برداشت، پاسخ برخی شبهات مبنی بر استثنای وجه و کفین به نحو مطلق و با هر نوع زینتی هم داده می‌شود؛ چراکه معمولاً زیبایی وجه و کفین، عاری از آرایش و زیورآلات غیرمتعارف، مخفی و پوشیده است. لکن برخی قاصدانه با استعمال زیورآلات غیرمتعارف، زینت‌های نوپدید و حتی عمل‌های جراحی زیبایی، زیبایی اعضای بدن را در برابر نامحرم آشکار می‌کنند و آیه دلالت بر نهی از این عمل نیز دارد. لذا نمی‌توان استثنای وجه و کفین را به نحو مطلق برداشت نمود؛ چراکه قرینه داخلی در آیه از آن نهی می‌کند.

۵. استفاده از آیه در منع ابداء زینت روی لباس

باتوجه‌به معنای ذکرشده از آیه، به نظر می‌رسد استفاده از زینت‌های مخفی ـ که معمولا در اعضای مخفی بدن همچون سینه، ذراع (ساعد)، پا و... مورد استفاده قرار می‌گیرند ـ همچون گردن‌بند، خلخال، دستبند و...، بر روی لباس، به‌نحوی‌که موجب علم به زینت‌های مخفی زن شوند جایز نباشد. این معنا، از ملاکی که از ظاهر آیه برداشت می‌شود به دست می‌آید؛ چراکه در آیه، زدن پا بر زمین موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقی است در جهت علم نامحرم به زینت‌های مخفی زن. از علت ذکرشده در آیه، عدم جواز هر نوع استفاده دیگر از زینت‌های مخفی که منجر به علم نامحرم به زینت‌های مخفی زن شود نیز برداشت می‌شود.

چنان‌که ذکر شد، در آیه دو بار استثنا ذکر شده است. برخی از محققین قائلند استثنای اول: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ در مقام بیان حرمت آشکار کردن نوع زینت (زینت باطنی) و استثنای دوم: ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...﴾ در مقام بیان افرادی است که ابداء زینت در مقابل آنها حرام است (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۰۸، ص۵۷۲؛ سبحانی، بی‌تا، ج۱، ص۴۴ و سیفی مازندرانی، ۱۴۱۷، ص۲۷).

به‌عبارت‌دیگر، فراز اول از جهت منظور (کسی که به او نظر می‌کند) عام است، مگر دلیلی بر خروج از عام داشته باشیم و فراز دوم از حیث ناظر عام است، مگر دلیلی بر خروج از عام داشته باشیم (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج۱۲، ص۴۶۲). استثنای اول به این معناست که ابداء زینت‌های مخفی در مقابل همه افراد جایز نیست؛ لکن استثنای دوم، موارد خروج از عام استثنای اول را بیان داشته است و قرینه متصل استثنای اول محسوب می‌شود؛ به این معنا که ابداء زینت مخفی زن، برای همه افراد به جز محارم ذکرشده در ادامه آیه حرام است. بنابراین، باتوجه‌به اینکه ذکر شد بدن زن هم زینت بالقوه است، هر عملی که منجر به ابداء و آشکارسازی بدن یا زینت بالقوه او شود حرام است؛ حتی وجه و کفین که ازجمله زینت‌های آشکار زن شمرده شده نیز با شرایطی از حرمت ابداء استثنا شده است، به شرطی که زینت مخفی بدن آشکار نشود.

۶. حکم فقهی ابداء آرایش‌های نوپدید

روشن است که نمی‌توان با استناد به آیه، آرایش‌های نوپدید را که خاص محافل و زمان‌های خاص بوده است و معمولاً توسط زن‌ها استفاده نمی‌شود استثنا دانست و مشخص است که آیه ناظر به این آرایش‌ها نیست. به‌عبارت‌دیگر، وجه استثنای سرمه و انگشتر در عصر نزول این بوده است که معمولاً دست و چشم خانم‌ها از این دو عاری نبوده و عدم جواز کشف آنها، منجر به عسر و حرج می‌شده است. ازطرفی استعمال این دو مورد به قصد و غرض دیده شدن نبوده است، اما این دلیل بر این نمی‌شود که امروزه هر نوع آرایشی که گاهی برخی از خانم‌ها استفاده می‌کنند را نیز استثنا دانست.

در ایـن میـان، عمل‌هـای جراحـی زیبایـی، علاوه بـر اینکه مـورد ابتلای عموم نیسـت، نمی‌توان آنها را استثنا دانست.

به‌طورکلـی ایـن عمل‌ها خود دو نوع هسـتند: ترمیمی و زیبایـی. عمل‌های ترمیمی عمل‌هایی هسـتند که فرد در اثر بروز یک حادثه یا بیماری، قسـمتی از زیبایی خود را از دسـت می‌دهد و چهره و پوسـت او از حالت طبیعی خارج می‌شـود. در عمل ترمیمی، پوسـت بـه حالت قبلـی و طبیعی خـود برمی‌گردد. بـرای مثال، اگر پوسـت چهره فردی به‌واسطه سوختگی، از حالت ابتدایی خود خارج شود و به‌صورت سیاه و چین و چروک درآیـد، عملـی که جراح به‌واسـطه آن، پوسـت فـرد را به حالـت اولیـه برمی‌گرداند، عمل جراحی ترمیمی نامیده می‌شود. همچنین اعمال جراحی ترمیمی، عمل‌هایی را که در اثر آن، یک عضو به‌واسطه ترمیم طبیعی بافت‌های بدن یا در اثر بخیه و سایر جراحت‌ها از حالت طبیعی خارج شده و با عمل ترمیمی به حالت اولیه خود بازمی‌گردد را نیز شامل می‌شود (پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل، بررسی فقهی پدیده آرایش‌های نوظهور در جامعه، ۲۴ آبان ۱۳۹۵). درصورتی‌کـه ایـن گونـه عمل‌ها، عمل‌های ترمیمی باشـد، به نظر می‌رسـد نیازی بـه پوشـش آن نیسـت؛ زیرا داخل در اسـتثنای وجه و کفین اسـت. اما اگـر این عمل‌ها صرفاً به قصد و غرض زیبا شدن انجام شود، ازآنجاکه فراتر از زینت‌های عادی است، در محدوده استثنای زینت ظاهر وجه و کفین قرار نگرفته و لازم است پوشانده شوند.

برخی از آرایش‌های زنان، قابل از بین بردن و یا جدا کردن اسـت؛ مانند سـرمه، خط چشم، خط لب، خط ابرو، لاک‌های نمازی و.... برخی دیگر از آرایش‌های زنان به‌راحتی قابـل از بین بردن و یا جدا کردن نیسـتند که عمل‌هـای جراحی زیبایی بینی، لب، مژه، گونه، پلک و... در صورت، کاشت ناخن در دست و... در این دسته جای دارند. دسته دوم، نمونه‌ای از اعمالی اسـت که منجر به ابداء و آشکارسـازی زینت‌های بالقوه بدن زن می‌شوند. حال اگر کسی این نوع از عمل‌ها را جهت ترمیم انجام دهد، درواقع نقص زیبایـی طبیعـی بـدن خـود را جبران نموده اسـت و نمی‌تـوان به آن ابداء زینت نسـبت

داد. امـا امـروزه بسـیاری از عمل‌های جراحـی زیبایی، در این جهت انجام نمی‌شـوند؛ بلکـه صرفـاً بـرای ایجاد زیبایی و به بیان دیگر، آشکارسـازی زیبایـی بالقوه بدن انجام می‌گیرند و طبق آنچه بیان شـد، تحت حرمت ابداء زینت قرار می‌گیرد که ابداء آنها در مقابل نامحرم جایز نیست.

علاوه بر اینکه مفاسدی که مترتب بر ابداء این گونه آرایش‌هاست بر کسی پوشیده نیست «و لکن جرئت بر این کلام سخت است که انسان اظهارنظر قطعی کند و بگوید زن‌ها می‌توانند در صورت خود انواع و اقسام آرایش‌ها را داشته باشند و به خیابان بروند. و مفاسدی که بر این امر مترتّب می‌شود منشأ می‌شود که انسان لاأقل در مسئله احتیاط کنـد» (درس خارج فقه محمدتقی شـهیدی، ۰۱/۱۳۹۷/۲۶). لذا حکـم حرمت ابداء، بر آرایش‌های نوپدید نیز بار می‌شود.

۷. حکم فقهی نظر به آرایش‌های نوپدید

این فراز از آیه ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ در فرض وجود ناظر معنا دارد وگرنه ابداء بنفسه که حرمتی ندارد. علاوه بر اینکه حرمت ابداء، ملازم با حرمت نظر نیز هسـت؛ لذا این فراز از آیه، علاوه بر دلالت بر حرمت ابداء در فرض وجود ناظر، بر حرمت نظر نیز دلالت دارد (خویی، ۱۴۱۸، ج۱۲، ص۶۶).

نکته قابل‌توجه دیگر این است که عدم جواز ابداء، با حرمت نظر ملازمه دارد؛ لکن جواز ابداء، با جواز نظر ملازمه ندارد. درنتیجه، جواز ابداء زینت آشکار (وجه و کفین)، بـا جـواز نظر مرد به وجه و کفین زن ملازمه ندارد (شـبیری زنجانـی، ۱۴۱۹، ج۱، ص۳۴۲ و خویی، ۱۴۱۸، ج۳۲، ص۴۱). لـذا عـلاوه بر اینکه لازم اسـت آرایش‌های غیرمعمول و نوپدید زنان در وجه و کفین مورد پوشش واقع شوند، حتی اگر زنی بی‌مبالاتی نماید و این گونه زینت‌ها را در معرض دید قرار دهد، جواز نظر به آن اثبات نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد با اینکه استعمال زینت در اعضای بدن باتوجه‌به مفهوم لغوی آن (نقیض شین و هرآنچه انسان با آن خود را می‌آراید) صحیح نیست؛ لکن شارع، مفهوم زینت را گسترش داده و آن را در اعضای بدن نیز به کار برده است. لذا مانعی نیست که زینت در هر دو فراز، معنای جامع خود را حفظ کرده و هم در معنای اعضای بدن باشد و هم زیورآلات و آرایش. در فراز اول، حکم اولیه، حرمت ابداء زینت است؛ یعنی هر نوع زینت، چه اعضای بدن و چه زیورآلات و آرایش‌های زن، خواه از نوع متصل به اعضای بدن باشد مثل رنگ و... و خواه جدا از اعضای بدن یا آویزان‌شده به بدن مثل طلا و نقره در هیئت زیورآلات.

حکم اولیه در همه این زینت‌ها، حرمت است. منتها در خود آیه، استثنا از حکم اولیه ذکر شده است: الا ما ظهر منها (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج۱، ص۳۲). مراد از ما ظهر، روشن و واضح نبوده و مورد سؤال واقع شده است. براین‌اساس، چندین روایت در این باب ذکر شده است. در برخی روایات، مراد از ما ظهر، اعضای بدن عنوان شده است؛ همچون صحیحه فضیل (عاملی، ۱۴۰۹، ج۲۰، ص۲۰۰) که ذکر شد. در برخی دیگر از روایات، مراد از ما ظهر، زیورآلات و آرایش عنوان شده است؛ همچون صحیحه ابی‌بصیر که بیان گردید (همان). ازآنجاکه هر دو روایت، صحیحه و قطعی‌الصدور هستند، لذا همان معنای جامع زینت اثبات می‌شود.

در اینکه مراد از زینت آشکار چیست، لازم است زینت آشکار را به نحوی بیان کنیم که هم شامل اعضای بدن شود هم زیورآلات و آرایش‌هایی که توسط معصوم در روایت ذکر شده است؛ چراکه حضرت در مقام بیان زینت ظاهر بوده است و اگر مورد دیگری بود بیان می‌کردند. ازجمله روایت‌های صحیحه دیگری که در مقام بیان مراد از زینت آشکار است، صحیحه مسعدة‌بن‌زیاد است: «عَبْدُاللَّهِ‌بن‌جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هارُونَ‌بن‌مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ‌بن‌زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَراً وَ سُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوَجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ» (همان، ص۲۰۲).

در ایـن صحیحـه، تنها وجه و کفین به‌عنوان زینت آشـکار و از حکم حرمت ابداء زینـت اسـتثناء شـده اسـت؛ لذا زینت آشـکار در نفس اعضـای بدن (وجـه و کفین) و سرمه و انگشتر که در روایت ذکر شده، محدود گردیده است و امکان ندارد آرایش‌های نوظهور نیز ازجمله زینت‌های آشـکار، اسـتثنا شـده باشـد. البته به نظر می‌رسـد اینکه بگوییم مراد از انگشتر، تنها همان انگشتری ست که در عصر صدور استفاده می‌شده است و قابل تعمیم به انگشترهای امروزی نیست، تعبیر دقیقی نباشد؛ چراکه منجر به اعراض از روایت می‌شـود و چنان انگشـتری قاعدتاً امروزه اصلاً مورد اسـتفاده نیسـت و حتی سرمه‌ای با همان مشخصات عصر صدور که قاعدتاً امروزه مورد استفاده نیست. بلکـه می‌تـوان گفـت مراد از انگشـتر، همـان هیئتی اسـت که امـروزه معمولاً زنـان از آن اسـتفاده می‌کنند و معمولا زنان حلقه ازدواج خود را دسـت می‌کنند و بتوان گفت مراد از سرمه نیز ترکیبی باشد که معمول زنان از آن بر چشم خود استفاده می‌کنند ولو امروزه سرمه نباشد و آرایش‌هایی مشابه سرمه باشد. البته باید توجه کرد که جواز ابداء سرمه و انگشتر یا هیئت و ماده مشابه آنها به معنای جواز ابداء هرگونه زینت‌های دیگر در وجه و کفیـن نیسـت؛ چراکه در عصـر صدور نیز آرایش‌ها و زیورآلات دیگری غیر از سـرمه و انگشتر موجود بوده، لکن تنها همین دو مورد استثنا شده است و عقل درک می‌کند که اسـتثنای سـرمه و انگشـتر، به معنای استثنای تمام زینت‌های اسـتعمال شده در این دو عضو نیست.

فهرست منابع

قرآن کریم (۱۳۸۳ش)، ترجمه: حسین انصاریان، قم: انتشارات اسوه.

۱. ابن‌فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴ق)، **معجم مقائیس اللغة**، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲. ابن‌منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن‌مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.

۳. اشتهاردی، علی‌پناه (۱۴۱۷ق)، **مدارک العروة**، تهران: دار الاسوة للطباعة و النشر.

۴. آملی، میرزا محمدتقی (۱۳۸۰ق)، **مصباح الهدی في شرح العروة الوثقی**، تهران: بی‌نا.

۵. جمعی از مؤلفان (بی‌تا/ الف)، مجله فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام (فارسی)، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۶. جمعی از مؤلفان (بی‌تا/ ب)، مجله فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام (بالعربیه)، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۷. جوهری، اسماعیل‌بن‌حماد (۱۴۱۰ق)، **الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت: دار العلم للملایین.

۸. حر عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۹. حکیم، سیدمحسن طباطبایی (۱۴۱۶ق)، **مستمسک العروة الوثقی**، قم: مؤسسه دار التفسیر.

۱۰. حلی، مقداد (۱۴۲۵ق)، **کنز العرفان**، قم: انتشارات مرتضوی.

۱۱. خویی، سیدابوالقاسم موسوی (۱۴۱۸ق)، **موسوعة الامام الخویی**، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.

۱۲. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات الفاظ القرآن**، لبنان ـ سوریه: دار العلم ـ الدار الشامیة.

۱۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتاب العربی.

۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر (بی‌تا)، **نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیة الغراء**، قم: بی‌نا.

۱۵. سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۱۳ ه. ق) **مهذب الاحکام**، قم: موسسه المنار ـ دفتر حضرت آیة‌الله.

۱۶. سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۱۷ق)، **دلیل تحریر الوسیلة؛ الستر و الساتر**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله.
۱۷. شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹ق)، **کتاب نکاح**، قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز.
۱۸. صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل (۱۴۱۴ق)، **المحیط فی اللغة**، بیروت: عالم الکتاب.
۱۹. عاملی کرکی، محقق ثانی علی‌بن‌حسین (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۰۸ق)، **تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة**، قم: بی‌نا.
۲۱. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد (۱۴۱۰ق)، **کتاب العین**، قم: نشر هجرت.
۲۲. فیومی، احمدبن‌محمد مقری (بی‌تا)، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**، قم: منشورات دار الرضی.
۲۳. کاظمی فاضل اسدی، جوادبن‌سعد (بی‌تا)، **مسالک الافهام الی آیات الاحکام**، بی‌جا: بی‌نا.
۲۴. محقق داماد یزدی، سیدمحمد (۱۴۱۶ق)، **کتاب الصلاة**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: مرکز الکتاب للترجمة و النشر.
۲۶. مقدس اردبیلی، احمدبن‌محمد (بی‌تا)، **زبدة البیان فی احکام القرآن**، تهران: المکتبة الجعفریة لاحیاء الآثار الجعفریة.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، **کتاب النکاح**، قم: انتشارات مدرسه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.

منابع اینترنتی

۲۸. پایگاه تخصصی فقه حکومتی وسائل (۱۳۹۵ش)، «بررسی فقهی پدیده آرایش‌های نوظهور در جامعه»، ۲۴ آبان ۱۳۹۵، vasael.ir.

۲۹. جعفری هرندی، محمد؛ موسوی، محمدصادق و درزی، مهرانه (۱۳۹۸ش)، «تاثیر عرف در احکام پوشش و حجاب زنان مسلمان»، **پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، ش۵۵، ص۷۵ـ۹۶.
۳۰. درس خارج فقه استاد محمدتقی شهیدی، ۱۳۹۷/۰۱/۲۶.
۳۱. عبدالله‌پور، اکرم (۱۳۸۶ش)، «ماهیت‌شناسی فقهی مسئله پوشش وجه و کفین با رویکردهای قرآنی»، **بانوان شیعه**، ش۱۱، ص۶۳ـ۱۰۰.
(https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1494411)
۳۲. غفاری، فرزانه (۱۳۹۱ش)، «ستر و حجاب در قرآن»، **بینات**، ش۷۴، ص۱۸۸ـ۲۰۲.
۳۳. غفوری، خالد (۱۳۸۷ش)، «اظهار زینت و حکم آن»، **مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام**، ش۵۴، ص۱۴۳ـ۱۸۰.